**آموزش و خدمت در ادارات دولتی**

**هدایت، همایون**

آموزش برای هر ملت داروئی است ولی استعمال هردارو چون از مقدار معینی‏ تجاوز نماید سوءاثر می‏بخشد.در روزنامه خواندم دانشجوئی انتقاد کرده بود:

(چنانچه درب ادارات دولتی بسته بماند تکلیف داننشجویان چه خواهد شد.)

پایهء بودجهء مملکت باید روی صرفه‏جوئی قرار گیرد اقتصاد را اروپائیها اکونومی‏ میگویند،این لفظ یونانی است و معنای آن صرفه‏جوئی است استخدام در ادارات باید با احتیاجات وفق دهد لازمهء خدمت در ادارات نه مهندسی است.و نه دکترا است البته چنانچه‏ دکتری به ثبّاتی اکتفا کند دانائی او بی‏ضرر است ولی چنانچه تعداد دکتر و مهندس‏ زیاده از حد لزوم باشد مصرف کردن قوای جوان یدر راه آموزش مضاری را دربرخواهد داشت.دورهء جوانی برای تقدیم خدمت به مملکت بهترین ادوار است چنانچه این دوره‏ تماما صرف آموزش بشود انجام امور مملکت معوق خواهد ماند،زیرا ثروت هر مملکت‏ بوسیلهء کار تولید میشود و لازمهء کار جوانی است.اغلب کارها بیشتر محتاج بقوهء جوانی‏ هستند تا علوم و دانش.

کار در ادارات دولتی جریانی دارد که در خود اداره آموخته میشود.کارمند از ثباتی شروع کرده متدرجا بجریانات اداری آشنا میشود و متدرجا به نسبت لیاقت و استعداد بدون اینکه لازم باشد مهندس باشد یا دکتر،ترقی میکند البته در بعضی از وزارتخانه‏ها برای شعبات فنی محتاج بمهندس هم میشوند ولی بتعداد محدود.

آموزش در درجات عالی برای مشاغل آزاد بیشتر ضرورت دارد تا در پشت میزهای‏ اداری.از قرون وسطی مللی در جادهء تربیت و تمدن عصر جدید پیش میروند که در تقسیم‏ طبقاتی آنها تغییری روی نداده:عد(ثروتمند بدون احتیاج بزحمت و کار و عدهء در آسایش در نتیجه کارهای علمی و فنی،عدهء هم نانی با کد یمین بدست آورده گذران میکنند.این عدهء اخیر اولادشان هرچه زودتر باید باموزش خاتمه داده و برای ارتزاق با پدر و مادر بکمک‏ برخیزند.پس طبقهء سوم یعنی کارگر از ابتداء جوانی طبعا آموزش را ترک کرده بکار تن درمیدهند پس دانشسرایعالی فقط مورد استفادهء اغنیاست و باین جهت آموزش در دانشسرایعالی‏ در ممالک متمدنه مجانی نیست و از انصاف هم دور است که عایدات مملکت که درواقع‏ عموما از آن دارای حقی میباشد بکسانی برسد که محتاج باین کمک نیستند،و وجود افرادی که بیش از طبقات دیگر برای تولید این عایدات مفید است از استفاده محروم‏ بمانند پس دانشسرایعالی فقط مورد استفادهء اغنیاست و اغنیا میتوانند مخارج آموزش‏ اولاد را از عهده برآیند و اولادشان را بدرجات عالی برسانند.

از طرف دیگر برای هرملتی لازمهء پیشرفت در راه تمدن اینست که افراد در حد اقل جراید را بخوانند و کاغذی بتوانند بنویسند.آموزش باین درجه باید وسایلش برای‏ همه فراهم باشد و چون این آموزش تعمیم مییابد پرداخت مخارج آن برعهدهء دولت‏ خواهد بود و این آموزش باید اجباری باشد.

در مملکت ما برای تدوین برنامهء کلاسها هم تخصصی بکار نرفته،و این برنامه‏ها محتاج‏ به تجدیدنظر هستند.برطبق اصولیکه در بالا ذکر شد برای چهار کلاس برنامه باید تدوین شود.نوآموزانی که از عهدهء امتحان کلاس چهارم برنیایند باید از ادامهء دانش‏ معاف شوند زیرا عایدات مملکت نباید برای کودکان بی‏استعداد مصرف شود.

برای احتیاجات مملکت ممکن است درصورت ضرورت مهندسینی از خارج استخدام‏ شوند ولی با اراضی وسیع در ایران که سه ربع آن کاشته نشده و محتاج بکشاورزی است‏ افراد مملکت را نمیتوان برطبق هوی و هوسها بی‏مصرف گذاشت.

کشاورزی بیش از پیش محتاج بسرمایه است و سرمایه هم دراین مملکت‏ فقط از راه کشاورزی بدست میآید یعنی بعمل آوردن پنبه و پشم و کره و غله و خشکبار و فرستادن آنها بخارج.متأسفانه در مملکت ما وقتی دلار میرسد اوقات صرف تقسیم آن‏ میشود و وقتی دلار نمیرسد اوقات تماما برای فراهم آوردن وسایلی است که دلار برسد. تنها چیزیکه ثروت آتیهء مملکت را تامین میناید کشاورزی است و فعلا در این زمینه جز از تقسیم اراضی صحبتی بمیان نیست.معلوم نیست این اراضی که در ایران بایر افتاده چه‏ احتیاجی به تقسیم دارد؟زمین محتاج بآب است و جریان آب محتاج بسرمایه است و زمین‏ دردست اشخاص بی‏سرمایه بی‏ثمر می‏ماند.